



بی‌جهت مردم را محدود نکنید

مسعودین‌شکیان، رئیس‌جمهور در جلسه هیئت‌دولت با اشاره به سخنان محمدرضا عارف، معاون اول در نشست «انجمن علوم مدیریت» گفت: «یکی از محورهای رشد اقتصادی، توجه جدی به امر بهره‌وری است. یکی از لوازم ضروری ارتقای بهره‌وری، توجه به آموزش و ارتقای مهارت‌های نیروی انسانی است.» وی از دستگاه‌های اجرایی خواست برنامه‌ریزی‌های لازم را برای ارائه آموزش‌های مرتبط با ارتقای مهارت‌های شغلی مدیران و کارکنان‌شان داشته باشند و افزود: «این مسئله به هیچ وجه به معنای کاهش تعداد نیروی انسانی نیست، بلکه یک ضرورت برای ارتقای مهارت‌ها و توانمندی‌های شغلی به‌خصوص در دستگاه‌های اجرایی و در راستای بهبود انجام ماموریت‌های اداری و تکریم ارباب رجوع است. ماه رمضان به عنوان ماه خودسازی، فرصتی مغتنم برای اجرای برنامه‌های ارتقای مهارت‌های شغلی است و امیدوارم که به این ترتیب بتوانیم گامی در مسیر حل مشکلات مردم برداریم.» در ادامه جلسه امروز، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت ضمن قدردانی از حضور اعضای دولت در دانشگاه‌ها و مراکز علمی به مناسبت روز دانشجو، گزارش مبسوطی نیز از برخی مسائل مرتبط با حوزه فرهنگ و نیز حواشی ایجادشده پیرامون یک رویداد ورزشی در جزیره کیش ارائه کرد. رئیس‌جمهور در واکنش به این گزارش، با بیان اینکه نباید کاری کنیم که مردم از نظام رانده و ناراضی شوند، افزود: «نباید بی‌جهت برای مردم محدودیت ایجاد کرد یا آنها را تحت فشار گذاشت؛ هر اقدامی که باعث ناراضی‌نشدن مردم شود، دقیقاً کمک به رژیم صهیونیستی است. ما نه تنها موافق ناهنجاری‌ها نیستیم، بلکه مخالف جدی آن هم هستیم، ما بر بحث بر سر نحوه و چگونگی مواجهه با این ناهنجاری‌هاست، پزشک‌ها همچنین تصریح کرد: «مردم با انبوه مشکلات اداری و معیشتی مواجه هستند که کسی به این مشکلات حساسیتی نشان نمی‌دهد، اما به محض اینکه یک ناهنجاری کوچک در جایی مشاهده شود، عده‌ای فریاد و اسلاما سر می‌دهند؛ نباید به جای حل ریشه‌ای مسئله به دنبال پاک کردن صورت مسئله باشیم، در عرصه پزشکی گاهی تاکید می‌شود که برای برخی دردها نباید مُسکن تجویز شود، چراکه نوعی سرپوش گذاشتن بر آن عارضه و درد بوده و ممکن است باعث بروز عوارض یا رویدادهای شدیدتر و تلخ‌تر شود.» وزیر ورزش و جوانان نیز گزارشی از موضوع برگزاری مسابقه دو مارتن در جزیره کیش ارائه کرد و گفت که جوسازی‌ها نسبت به این برنامه از قبل شروع شده بود و در عین حال فدراسیون مربوطه هم ورودی غیرموجه به موضوع داشت، اما با همه اوصاف، وزارت ورزش و منطقه آزاد یابانه مشتری‌گری در این خصوص منتشر کردند.



نظرات مختلف مانع رفع فیلترینگ

الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع‌رسانی دولت در حاشیه هیئت‌دولت گفت: «امروز حدود ۸۰ درصد مردم ایران از فیلترشکن استفاده کرده‌اند این یعنی نتنها هدف کاهش مصرف محقق نشده، بلکه آسیب‌های ناشی از استفاده گسترده از فیلترشکن‌ها هم اضافه شده است. با وجود این، برخی از اعضای شورای عالی فضای مجازی به‌ویژه اعضای حقیقی نظرات متفاوتی دارند. در یکی از جلسات، پس از بحث‌های طولانی، جمع‌بندی به این نقطه رسید که مشکلات مربوط به واتساپ و بخشی از خدمات گوگل تا حدی حل شود؛ همچنین دسترسی به یوتیوب در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی تا اندازه‌ای برقرار شد. اما درباره سایر پلتفرم‌ها و سکوهایی بزرگ همچنان مقاومت وجود دارد.» وی در ادامه افزود: «امیدوارم با تداوم تلاش‌های رئیس‌جمهور، طی یک ماه آینده نیز شاهد گام مثبتی در این زمینه باشیم، دولت واقعاً پدنبال تنش، درگیری یا کشاندن ماجرا به دعوا نیست. ایشان تلاش می‌کنند از مسیرها و گفت‌وگوهای مستمر موضوع را به‌صورت منطقی حل کنند.»

تاریخ دانشگاه



اعتراضات اطراف دانشگاه تهران، سال ۱۳۳۲

تجمع دانشجویان انقلابی در دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۷

صدای اعتراض نسل‌ها

بازخوانی پنج دهه جنبش دانشجویی در ایران پیش و پس از انقلاب



منصوره محمدی

خبرنگار گروه سیاست

نشست پاسداشت روز دانشجو (۱۶ آذر)، با حضور کنشگران پنج دهه جنبش دانشجویی؛ مهدی ابراهیم‌زاده، علی بهاور، مهدیه گلرو و فرخ نگهدار و... به‌صورت آنلاین در بستر یوتیوب برگزار شد. فعالان دانشجویی دهه‌های ۴۰ تا ۸۰ شمسی در ایران با گریزی بر تجربه زیسته خود در دوران دانشجویی، به بازخوانی نقش دانشگاه در تحولات سیاسی و اجتماعی هر دوره و مسیر دگرگونی جنبش دانشجویی از پیش از انقلاب تا امروز پرداختند که در ادامه می‌خوانید.

دانشگاه سنگر آزادی بود



مهدی ابراهیم‌زاده، عضو حزب چپ ایران و از فعالان دانشجویی دهه ۵۰: آنچه در این نشست ارائه خواهم داد، نگاهی به جنبش دانشجویی پیش از انقلاب و آنچه از طریق تاریخ از آن اطلاع داریم، بر پایه تجربیات زیسته خودم است. جنبش دانشجویی ایران در سال‌های ۵۰ تا ۵۷ یکی از پر جنب و جوش‌ترین نیروهای سیاسی پیش از انقلاب بود. دانشگاه در حالی که فضای سیاسی کشور در کنترل شدید امنیتی قرار داشت به کانون اعتراض، آگاهی‌جویی و شکل‌گیری کانون‌های مستقل فکری تبدیل شد. این جنبش آشکارا خصلت ضداستبدادی و ضدحکومتی داشت اما در قالب فعالیت‌های به ظاهر غیرسیاسی و صنفی توانست حیات خود را حفظ و گسترش دهد اما چگونه این رویکرد منجر به انجام فعالیت‌های جنبش دانشجویی شد؟

۱۶ آذر ۱۳۳۲ درست ۴ ماه بعد از کودتای ۲۸ مرداد بود و واکنش جنبش دانشجویی در مقابله با کودتایی بود که رخ داد. در این اعتراض به‌طور مشخص در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، اعتراض به تضعیف رابطه با بریتانیا و سفر ریچارد نیکسون به ایران بود و دانشگاه تهران صحنه یک تظاهرات عظیم دانشجویی شد. در این روز سه دانشجو به‌دست نیروهای ویژه ارتش که وارد دانشگاه شدند کشته شدند. این روز با ابتکار کنفدراسیون دانشجویان ایرانیان خارج از کشور به عنوان روز دانشجو اعلام شد. از آن زمان، گرامیداشت آن سال، همیشه فرصتی است برای اینکه اعلامیه‌ها و تجمع‌های دانشجویی بزرگ و کوچک انجام و حرکتی در مقابل استبداد آن زمان توسط دانشجو‌ها نشان داده می‌شود. اما تجربه‌های مشخص من در دانشگاه صنعتی آریامهر سابق که در زمان حضورم یا قبل از من انجام شده بود نیز قابل توجه است. اولین حرکت مهم دانشجویی در دانشگاه صنعتی در اعتراض به گران شدن بلیت اتوبوس شرکت واحد در اسفند سال ۱۳۴۸ بود و در همراهی با مردم و دانشجویان دانشگاه تهران که پیش از همه به خیابان پیوستند، دانشجویان این دانشگاه نیز به جمعیت معترض پیوستند و تعدادی اتوبوس توسط معترضین خشمگین به آتش کشیده شد. مردم شاهد بودند تعداد بسیار زیادی دانشجو را با ضرب و شتم به محل شهربانی می‌بردند. در مقابل این تظاهرات، واکنش دولت عقب‌نشینی بود و بلیت اتوبوس به دوریال بازگشت و تصویری در روزنامه‌های روز بعد به نمایش درآمد که هویدا دوریالی را نشان می‌دهد که نشان از واکنش دولت بود.

دومین تظاهرات در دانشگاه ما در سال ۱۳۴۹ و در

اعتراض به محاکمات گروه فلسطین بود. آنچنان که مطرح شد و نتایج به بیرون درز کرد، احکام بسیار عادلانه‌ای دادند و همین یکی از انگیزه‌های این تظاهرات بود. بعد از آن واقعه سیاه‌کل در بهمن ۴۹ و همزمانی این رخدادها با جشن‌های ۲۵۰۰ ساله اعتراض وسیع دانشجویان را به دنبال داشت و نه‌تنها دانشجویان که افسار دیگر مردم نیز در آن تظاهرات شرکت می‌کردند.

لازم است در اینجا بگویم در دانشگاه صنعتی تا سال ۵۰ که گارد ضدشورش وارد دانشگاه شدند، یک فضای آزاد بود، به این معنا که دانشجویان می‌آمدند، در مناسبت‌های مختلف تظاهرات می‌کردند، شعار می‌دادند و در محدوده دانشگاه تظاهرات می‌کردند. حتی یک شیشه هم در آن زمان شکسته نمی‌شد. البته زمانی که دانشجویان از دانشگاه خارج می‌شدند، از طرف نیروهای شهربانی با باتوم و چوب و مشت و لگد تنک می‌خورند. بعد از این بود که در دانشگاه شاهد واکنش دانشجویان بودیم؛ که به شکل پرتاب سنگ و شکستن شیشه اعتراض خود را نشان می‌دادند. به‌ویژه ساختمان مرکزی دانشگاه صنعتی که در آن زمان به نام ساختمان مجتهدی بود، یکی از آماج‌های این حرکات بود. این نظریه که می‌گوید جنبش مسلحانه باعث تشدید خشونت در جنبش دانشجویی شد، با آنچه در رخدادها می‌آید آن سال وجود دارد، همخوانی ندارد. در واقع ورود گارد به دانشگاه و خشونت گاردها موجب اصلی خشونت است.

بد نیست به این مسئله که تشکل‌های دانشجویی در آن زمان چه کار می‌کردند نیز اشاره کنم. ما در ایران هیچ اتحادیه دانشجویی رسمی نداشتیم، اما برنامه‌های فرهنگی، ورزشی، هنری و فوق برنامه‌های بستری برای شکل‌گیری شبکه‌های پایدار دانشجویی بودند. این شبکه‌ها از طریق دیدارهای دوستانه، جلسات مشترک، همکاری فنی و... انسجام جنبش را تقویت می‌کردند. دانشجویان برخی اوقات برای تصمیم‌گیری تجمعات و اعتراضات جمع می‌شدند و از دل همین جمع‌های کوچک تصمیم‌گیری‌ها بیرون می‌آمد که برای مثال در روز دانشجو چه اقدامی انجام دهیم و یا فلان تظاهرات را در کجا برگزار کنیم. از جمله کلاس‌های مشترکی داشتیم مانند کلاس سنگ‌نوردی که تنها مسئله سنگ‌نوردی مطرح نبود و آشنایی دانشجویان با همدیگر نیز هدف بود.

در ادامه اشاره به بستری خواهیم کرد که از طریق تشکل‌های صنفی ایجاد شد و چگونه توانست با جنبش مردمی پیوند بگیرد؛ تاکید من بر رزله طبس است که در شهریور ۱۳۵۷ رخ داد و یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های همکاری میان دانشجویان بود و ستاد دانشجویان دانشگاه تهران برای کمک به رزله‌زدگان طبس تشکیل شد. این دانشجویان موفق شدند از طریق امکاناتی که دانشجویان و اساتید واسطه می‌شدند و تجهیزات را فراهم می‌کردند، به منطقه رزله‌زده طبس و نواحی دیگر که درگیر رزله بودند، ارسال کنند.

ایده تشکیل این ستاد نیز برای دانشجویان، از جمله من، متکی بر شنیده‌هایی بود که از تجربیات گذشته داشتیم. مثلاً رزله بوین زهره در سال ۱۳۴۱ و اعتصاب شرکت واحد و یا برگرفته از تجربه شخصی دانشجویان در شهرهای مختلف بود. با این تفاوت که این ستاد این بار دو تفاوت اصلی داشت؛ اول اینکه علنی تأسیس شد و دوم اینکه دختران نیز در آن مشارکت داشتند. در آن زمان برای این دست اقدامات حضور زنان رایج نبود و دلیل آن برای احترام به حساسیت جوامع محلی بود.

ما امروز بیش از هر زمان وظیفه داریم تجربه آن سال‌ها را نگه داریم؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد چگونه حلقه‌های کوچک دوستی، تشکل‌های فرهنگی و ورزشی و اراده دانشجویان می‌توانند در برابر قدرتی بزرگ بایستند و راهی به سوی تغییر بگشایند. درس بزرگ آن سال‌ها اهمیت تشکلیابی، کار جمعی و اعتماد به قدرت شبکه‌های کوچک اما پایدار بود و نشان داد تنها جامعه متشکل می‌تواند در برابر استبداد ایستادگی کند. فعالیت‌های صنفی در فضای دانشجویی جذابیت اخلاقی و اجتماعی بیشتری برای تبدیل شدن به یک فضای عمومی متشکل دارد، البته ضعف بزرگ آن نیز حضور کم‌رنگ زنان در این فضاها بود؛ هر چند که مؤثر بود.

آسیب شناسی جنبش دانشجویی سه دهه اخیر

عماد بهاور؛ عضو شورای مرکزی

نهضت آزادی و فعال دانشجویی دهه ۷۰: درباره فعالیت‌های مردمی و جنبش‌های دانشجویی که برای کمک



به مردم انجام می‌شد، آیا این نوع فعالیت‌ها مؤثرتر بود یا نوعی از فعالیت‌ها مؤثرتر بود که به فعالیت‌های مسلحانه و چریکی کشیده شد؟ با این مقدمه وارد بحث می‌شوم. من فعال دانشجویی دهه ۷۰ بودم و در سال ۷۶ وارد شهر یزد، شهر آقای خاتمی شدم. در آن دوران انفجاری از مجموعه فعالیت‌هایی که در سطح جامعه و به‌ویژه دانشگاه ایجاد شد به وجود آمد؛ تشکل‌ها، احزاب و انجمن‌ها؛ و به یکباره طی یکی دو سال هزاران نهاد اجتماعی تأسیس شد و همه فعالیت و اشتیاق داشتند. به‌ویژه در سال‌های ۷۶ تا ۸۰ فعالیت‌های دانشجویی در شهر یزد که من دانشجو بودم به گونه‌ای بود که مراسم‌هایی برگزار می‌کردیم که چند صد نفر در آنها مشارکت می‌کردند و به سخنرانی‌ها گوش می‌کردند. سخنرانانی دعوت می‌کردیم و همه مردم و دانشجویان از اقشار مختلف شرکت می‌کردند. انتخابات انجمن که برگزار می‌شد برای رای دادن صف می‌ایستادند. در شرایط فعلی فضای دانشجویی خیلی ناراحت‌کننده است و هیچ اثری از آن فضاها نیست. دانشجویان کاملاً غیرسیاسی هستند، مثلاً الان اگر عکس مهندس بازرگان را به دانشجویان دانشگاه تهران نشان بدهید، چند درصد ایشان را می‌شناسند؟ فعالیت‌هایی در دانشگاه‌ها نیست و دانشجویان درگیر حاشیه‌ها و روابط اجتماعی خاصی که اکنون برقرار است، هستند. از طرفی دانشجویان خیلی از هر گونه فعالیت‌های رسمی، سازمان‌دهی شده که نظم و تعهدات خاصی می‌خواهد فراری هستند و به نوعی اینها از این موارد گذر می‌کنند. عبور آنها از این دست فعالیت‌ها از این جهت است که می‌گویند این جور کارها اصلاً کار خوبی نیست و به درد نمی‌خورد. برخی انجمن‌ها بعد از اتفاقات سال ۱۴۰۱ تعطیل شدند و برخی که الان می‌خواهند مجوز بگیرند زیر سوال می‌روند که می‌خواهید از جمهوری اسلامی مجوز بگیرید و مذبوم است، از یک طرف به دلیل رادیکال شدن فضای سیاسی در جامعه این را امری بد می‌دانند. از جایی به بعد، فعالیت‌های دانشجویی که از سال ۷۶ تا ۸۰ انجام شد، به ویژه بعد از اتفاقات سال ۷۸ و حمله به کوی دانشگاه، کم‌کم فضا تند شد و از نظر من بخشی حتماً از طرف نهادهای امنیتی ایجاد می‌شد، تحریک و حمله به دانشجویان و مصادیقی از اینها که از این رادیکال شدن و تند شدن استقبال می‌کردند